



به نام خالق یکتا  
یکسال ناباورانه از درگذشت مادر عزیزمان  
بانویی نیک سرشت و بزرگوار مرحومه

## حاجیه خانم محترم مقدسیان

در شریطی گذشت که سوگوار از دست دادن برادری مهربان مرحوم

## حاج خلیل مدالیان

که همچون پدری دلسوز بر ایمان بود، بودیم. لذا در اولین سالگرد درگذشت عزیز مادرمان به  
سوگ نشسته وز انوی غم در بغل می گیریم.  
روحش شاد و قرین رحمت الهی.  
بدیهی است هزینه ی برگزاری مجالس سالگرد مادر باتوجه به شرایط موجود صرف امور خیر  
خواهد شد.

فرزندان مرحومه: جلیل. شهناز. جواد. هادی مدالیان

۱۳۰۰/۱۷۱۷۲



## خانواده محترم وارسته حوریه جان

### و برادر عزیزمان مجتبی

اندوه ما در غم از دست دادن مادر عزیزتان  
در واژه ها نمی گنجد، تنها می توانیم  
از خداوند برایتان صبری عظیم و برای آن  
مرحومه روحی شاد و آرام طلب کنیم.

### خانواده وزیری

(مریم، محمد، مرجانه، مسعود)

۱۳۰۰/۱۷۲۰۲

سالگرد مادر عزیزمان

## خانم ماریا خزینی

را گرامی می داریم. او که دانشش، خانه ها را استوار  
و راه ها را هموار می ساخت؛ او که مهربانی را  
گسترده می خواست و انسانیت را ستایش می کرد؛  
هیچکس چون او سرود زیبای یاری رساندن بر  
قله های رفیع عشق را بی هیچ ادعا و بی هیچ  
چشمداشتی فریاد نمی کرد و آنگاه که باید یاری  
می شد، هیچکس را یارای یاری رساندن به او نبود.

«یادش همیشه مانا»

شهلا خزینی - نینا خزینی

ماریا و تانیا روشن ضمیر - یوزیا روشن ضمیر

دکتر رامین روشن ضمیر ۱۳۰۰/۱۷۲۵۳



رفتی و رفتن تو آتش نهاد بردل

از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

با دلی اندوه بار و پر درد درگذشت

## مهندس آرمان ساکت

را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان می رسانیم.

مراسم خاکسپاری آن عزیز گرامی امروز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ ساعت ۱۰ صبح در  
بهشت رضا، بلوک ۵ برگزار می شود.

خانواده های ساکت و نامدار ۱۳۰۰/۱۷۲۶۸



داوود جان: چشمان خسته مان ۱۱ سال در فراغت میگردد

طنین صدای دلنشینت همچنان در گوش ما

مهربانیت در قلب ما و زیبایی چهره ات در یاد ماست

جدائی عزیزمان

## دکتر داوود خطیبی

و یاران همراهش در سانحه کشور فیلیپین

دکتر امین برقچی - خانم زیلا اسدی

امیر عطاء برقچی عزیز

دکتر امیر دهقانی و خانم دکتر حسن زاده

را در جوار ملکوتی حضرت رضا (ع) گرامی می داریم.

یک حمد و عطر گل های یاس تقدیم روح مظلومانه شان.

پدر و مادر - وحید و نوید

۱۳۰۰/۱۷۱۹۲



بازگشت همه به سوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر، درگذشت شادروان

## مرحوم حاج اکبر آیانی

را به اطلاع همه اقوام، دوستان و آشنایان عزیز می رسانیم.

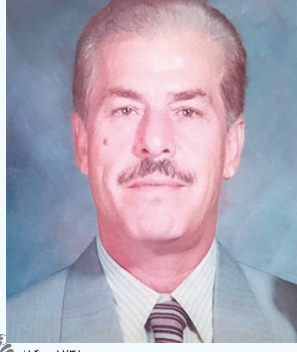
مراسم ترحیم روز یکشنبه مورخ: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰ در فضای باز

در هتل پردیسان واقع در بلوار کلانتری، از ساعت: ۱۹ الی ۲۱ منعقد می گردد.

حضور شما عزیزان باعث تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم بزرگوار خواهد بود.

خانواده های: آیانی - غلامشاهی - مظلومان - ربحانی وفامیل وابسته

۱۳۰۰/۱۷۲۹۵



بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت شادروان

## مهندس حمید لقمانی مقدم طوسی

را به اطلاع دوستان و آشنایان می رساند.

مراسم خاکسپاری روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹

ساعت ۱۱ در خواجه ربیع برگزار می گردد.

ضمناً به منظور پیشگیری از شیوع کرونا و اهتمام سلامتی شما سروران گرامی

مراسمی برگزار نخواهد شد و هزینه مراسم صرف امور خیریه می گردد.

خانواده لقمانی مقدم طوسی - سخاپور

۱۳۰۰/۱۷۲۴۰

### خانواده محترم قاسمی

درگذشت پدر مهربان و بزرگوارتان

## جناب آقای حسن قاسمی

را به شما و جامعه هنر و اندیشه شهر مشهد تسلیت عرض می نمایم.

آذر دادخواه - داود خادم

۱۳۰۰/۱۷۲۷۵

صبر و شکیبایی کنجی

از کنجهای بشت است

## قسم به نامت که مقدس ترین واژه خلق شده انسانی است...

## سفر تو کردی و من در جهان غریب شدم...



۳۶۵ روز گذشت... افزون تر از شمار این روزهای غریبانه، بغض کردیم، اشک ریختیم، از راه دور سعی کردیم در پس غصه

های ته نشین شده وجودمان با بغضی فروخورده تسلی خاطر همدیگر باشیم که به واقع نشد...

نه این که قصور از ما باشد نه... وسعت غم گسترده بر قلبمان فراتر از قدرت واژگان تسکین دلمان بود. هر روز

در هم شکستیم... فرو ریختیم... ویران گشتیم و با دلی پاره پاره و شانه ای خمیده اما مکرراً قدر است کردیم،

چه این ضربان بی وقفه نطلبیده قلب را وجودی می بایست... وجودی حتی بی حضور...

سالروز آسمانی شدن یگانه خورشید گرمابخش زندگیمان مادر عزیزتر از جان و همسر گرامی تر از روان

## مرحومه عفت امینی

فارغ از این که این یک سال چه رنجی کشیدیم، فارغ از تموم آه ها، فارغ از مدام در عزلت به تنهایی اشک ریختن ها

فارغ از حسرت بوییدن عطر تنت، فارغ از تموم نبودن هایت.. خیال میکنم سالی که گذشت برای تک تک مان واژه

ها رنگ معنایی دیگری گرفتند... حسرت شد غوطه ور در اکنون ابدی، محکوم به زمان، خیره به نقطه ای نامعلوم

چشمانی خیس، صورتی که نمش در پی زمان گم شده مان به خشکی گراییده، شانه هایی افتاده از فرط استیصال

جبر این سرنوشت بی رحم و چشم هایی بی فروغ لیکن پی در پی مرطوب و ذهنی که مدام لا به لای خاطرات با تو بودن با ای کاش هایش تیشه به ریشه قلبمان میزد...

مادر اما... مادر بی شک یعنی همه چیز... مادر یعنی زیباترین حسرت مشترک عاشقانه مان... مادر یعنی اسطوره بی همتای وجودمان... سرگشتگی یعنی من... یعنی آنچه هرگز

شرح نتوان کرد از حالمان... یعنی جهان بی حضور تو چیزی نشد جز تکرار یک تکرار... یعنی زندگی ما در کسری از وجود عاشق و پریرکت تو شد اجبار حضور در خلاء زیستی

مالا مال از حسرت... سرگشتگی یعنی حال غریب این یک سال...

او می رود دامن کشان من زهر تنهایی چشان دیگر می پرس از من نشان کز دل نشانم می رود

همسر داغدارت، دختر عاشق راه دورت، پسر دلتنگ دیدارت، دختر کوچکت همانی که واژه پرستش را همیشه با تو صرف میکرد...

۱۳۰۰/۱۶۶۶۸